

اخبار

طی ۴ ماه نخست در اسفراین رخ داد؛

## شناسایی ۴ تن فرآورده خام دامی فاسد

در ۴ ماه نخست امسال ۴ هزار و ۴۳۹ کیلوگرم فرآورده خام دامی فاسد و غیرقابل مصرف توسط واحد نظارت شبکه دام پزشکی و ناظران بهداشتی کشتارگاه اسفراین، شناسایی و از چرخه مصرف خارج شد. بنا بر اعلام روابط عمومی شبکه دام پزشکی اسفراین، در راستای انجام نظارت های بهداشتی بر چرخه تولید تا مصرف فرآورده های خام دامی، این مقدار فرآورده شامل انواع گوشت و آلایش خوراکی فاسد و غیر قابل مصرف یا واجد شرایط مصرف مشروط توسط واحد نظارت این شبکه شناسایی و بعد از تنظیم صورت جلسه، معدوم یا دستور مصرف مشروط داده شد. از مجموع این میزان فرآورده خام دامی ۳ هزار و ۴۱ کیلوگرم آن به نظارت بهداشتی در کشتارگاه دام شهرستان مربوط بوده است؛ همچنین در مجموع از این رقم، ۳ هزار و ۸۱۶ کیلوگرم فرآورده معدوم و از چرخه مصرف خارج شد و در مورد ۶۲۳ کیلوگرم نیز با تشخیص کارشناسان واحد نظارت بهداشتی دستور مصرف مشروط داده شد.

## کشف ۲۷۰ دستگاه ماشین حساب قاچاق

**صدیقی-** ۲۷۰ دستگاه ماشین حساب قاچاق از یک واحد باربری کشف و ضبط شد. به گفته مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی، پلیس آگاهی استان پس از بازرسی از یک واحد باربری در بجنورد موفق به کشف این تعداد کالای قاچاق شد. «سیدالموسوی» اعلام کرد: ارزش کالای کشف شده بیش از ۶۶ میلیون ریال است و پرونده متخلفان در شعب تعزیرات به منظور صدور رأی در حال رسیدگی دقیق است.

با کمک خیران انجام شد؛

## آزادی ۱۲ زندانی جرایم غیر عمد

زمینه آزادی ۱۲ زندانی جرایم غیر عمد با کمک خیران فراهم شد.محمدی، دبیر هیئت امنای ستاد دیه خراسان شمالی از تصمیم هیئت امنای ستاد دیه استان در این زمینه خبر داد و گفت: آمار ورودی زندانیان جرایم غیر عمد به زندان های استان نسبت به ماه های گذشته کاهش یافته است و اکنون ۹۸ زندانی جرایم غیر عمد در زندان های استان در حین تحمل حبس هستند.مدیر کل زندان های خراسان شمالی با بیان این که در نشست اخیر ستاد دیه زمینه آزادی ۱۲ زندانی جرایم غیر عمد فراهم شد، خاطرنشان کرد: بدهی ۳۰۰ میلیون تومانی این ۱۲ زندانی از محل کمک های خیران و ستاد دیه تامین شد.

عاقبت دامادی که مادر زنش را سوژه «استند آپ کمدی» قرار داد

## بینی پر ماجرا



**صدیقی-** فردی که بینی مادر زنش را سوژه «استند آپ کمدی» خود قرار داده بود کار دستش داد و با این کارش مجبور شد مهریه همسرش را پرداخت کند.

داماد شوخ طبع هیچ وقت فکرش را نمی کرد بابت مسخره کردن بینی مادرزن آن هم جلوی جاری همسرش دچار دردسری بزرگ و خود سوژه فامیل شود. به گزارش خبرنگار ما، ماجرا از این قرار است که داماد شوخ طبع مدام در دورهمی های بین فامیل استند آپ کمدی اجرا می کرد و آن ها را به قهقهه وا می داشت و شب شادی را برای آن ها رقم می زد. این داستان ادامه داشت تا این که شبی خود میزبان می شود و فامیل به ویژه مادرزن خودش را به مهمانی دعوت می کند تا جواب دعوت های قبلی آن ها را داده باشد اما اصلاً تصور نمی کرد استند آپ کمدی وی تلخ و گزنده باشد و به مذاق بعضی از حاضران خوش نیاید. زمانی که فامیل از جمله مادرزن دور هم جمع شدند تا دیداری تازه کنند داماد شوخ طبع ناگهان با دیدن بینی مادرزن به خیال این که کمی با او شوخی می کند بینی کشیده او را سوژه استند آپ کمدی خود قرار می دهد. بعد از آغاز این نمایش، همسر برادرش شروع به قهقهه می کند که همین اتفاق زنش را به شدت عصبانی می کند و دورهمی کمدی شکل جنگ و جدل به خودش می گیرد و ماجرا وارد فاز تازه ای می شود. صبح روز بعد زن عصبانی بعد از کلی جنگ و جدل و

### حادثه در شهر

## گره ای که آتش به پا کرد

**صدیقی-** کینه پسر جوان از گره ای که کیوتر هایش را شکار می کرد کار دستش داد. پسر جوانی که از دست یک گربه ولگرد که هر بار به لانه کیوتر هایش دستبرد می زد عصبانی شده بود، دست به اقدام عجیبی زد. پسر خطاکار که بابت بی احتیاطی و این اقدام عجیب اش جان همسایه اش را به خطر انداخته بود، گفت: مدتی بود یک گربه به کیوتر هایم حمله می کرد و از این بابت خیلی ناراحت بودم و در کمین شکارچی می ایستادم اما هر بار فرار می کرد تا این که به پیشنهاد یکی از دوستانم برای گرفتن او تله گذاشتم. صبح روز بعد با سر و صدای گربه ای که در تله گرفتار شده بود از خواب بیدار شدم و او را با یک طناب به درخت وسط حیاط بستم. با خودم کلنجار می رفتم که ناگهان طنابی که به پایش بسته بودم باز شد و او به حیاط همسایه فرار کرد و مستقیم وارد زیرزمین شد. از قضا مرد همسایه داخل زیرزمین در حال مصرف مواد مخدر بود که گربه به پیک نیک او برخورد کرد و زیر اندازش آتش گرفت. با سر و صدای مرد همسایه خانواده اش سریع به زیرزمین رفتند و پتوی آتش گرفته را خاموش کردند و ماجرا به خیر گذشت. این حادثه برایم درست عبرت شد و از دست پدرم کتک خوردم. بابت این قضیه خطرناک شانس آوردم که خانه همسایه آتش نگرفت چون معلوم نبود چه عواقبی در پی داشت.

دامی که مادر بزرگ برای نوه ۱۰ ساله اش پهن کرد

## شکستن قلک آرزوها به دست غول اعتیاد



صدیقی

داشت پول تو جیبی و پس اندازم خیلی عالی بود و برای همین مادر بزرگم مرا به خانه اش می کشاند و در حین مصرف مواد از من می خواست چند دود مهمان او باشم». دعوت های همدفدار مادر بزرگ ادامه پیدا کرد تا این که مزه مواد زیر دندان پسر بچه گیر کرد و ناخواسته وارد بازی سیاهی شد. با عادت کردن کودک ۱۰ ساله به مواد، مادر بزرگ خواسته هایش را بیان و نوه هم اطلاعات و پول های قلک و جیب اش را دو دستی تقدیم ساقی اش می کرد تا چند دود بیشتر راهی شش هایش کند. پسرک بی خبر از نقشه شیطنانی به اصطلاح حامی اش بعد از این اتفاقات تنها در خانه و در نبود مادر، شروع به مصرف هروئین می کند و نشئه کتان راه مدرسه را هر روز در پیش می گیرد تا این که روزی دستش در حین مصرف مواد از سوی مادرش رو می شود.

نوجوان خمار بابت استخوان درد می دارد مدام خودش را به دیوار می کوبد. بعد از کمی خیره شدن در افق تعریف می کند: «زمانی که مادرم متوجه شد من مواد مصرف می کنم توفان به پا کرد و با پدرم حسابی مرا کتک زدند و زندانی کردند تا چاره ای بیندیشند.

به ناچار قبل از رفتن به کلاس ششم به خاطر اعتیاد، ترک تحصیل کردم چون دیگر اعصاب و توان درس خواندن نداشتم. مدتی پدر و مادرم مرا در خانه زندانی کردند تا اعتیادم را ترک کنم اما فایده ای نداشت چون مادرم طاقت زجر کشیدن و آه و ناله مرا نداشت و بعد از آن مرا به کمپ فرستادند». کودک هروئینی بعد از گذراندن چند ماه در کمپ از شر افیون خلاص می شود و به گفته خودش

روزهایی که به هزار امید و آرزو قلک اش را بر می کرد نمی دانست چه دامی برایش پهن شده است؛ دامی که هر چند باورش سخت است اما از سوی مادر بزرگش برایش پهن شد. کودک ۱۰ ساله با دسیسه مادر بزرگ معتادش در ازای در اختیار گذاشتن پول قلک هایش، مهمان بساط مواد او می شود تا این که سم افیونی همچون پیچک تمام بدن او را احاطه می کند.

بار دیگر به خاطر عشق و عاشقی ضربه ای به او وارد می شود، عشقی که در ۱۲ سالگی فوران می کند.

عشق دختر خاله او را بی تاب و دوباره او را در منجلاب اعتیاد غرق می کند. حالا چند روزی بیش نیست که مهمان کمپ شده اما از خمار ی و استخوان درد مدام به خود می پیچد و مادرش را صدا می زند.

غرق رویای کودکانه اش بود که نی به دست گرفت. جوهری نر هر چند دوا بود اما دوایش جنس دود داشت. تک پسر و مورد توجه خانواده بود. جیب و قلک اش پر از پول و حاصل دسترنج پدر بود. همین کافی بود که مادر بزرگش دسیسه تصاحب پول ها را با غرق کردن نوه اش در مرداب افیونی در سر بهروراند و آن را عملی کند.

مادر بزرگ معتاد نقشه اش را با «عملی» کردن نوه اش عملی می کند. نوجوان در تله افتاده می گوید: «مادر بزرگم معتاد بود و کریستال می کشید. چون پدرم از دود و دم بدش می آمد اصلاً مادرش را تحویل نمی گرفت و پولی در حد بخور و نمیر به او می داد.

چون تک پسر بودم و پدرم وضع مالی خوبی

## چشمی که هرگز پلک نمی زند



## تولید و مونتاژ دوربین های مدار بسته

دارنده ۴ استاندارد بین المللی :

ایزو ۹۰۰۱ استاندارد بین المللی مدیریت کیفیت  
ایزو ۱۰۰۰۴ استاندارد بین المللی رضایت مندی مشتری  
ایزو ۱۴۰۰۱ استاندارد بین المللی زیست محیطی  
ایزو ۴۵۰۰۱ استاندارد بین المللی ایمنی و بهداشت حرفه ای  
سیستم مدیریت یکپارچه IMS

## ۵۰٪ درصد نقد الباقی چک

شما هم به جمع مشتریان ما پیوندید

بجنورد ، خیابان شهید بهشتی شمالی ، بعد از بانک سپه ، سرای کلاهدوز  
دفتر مرکزی : ۰۵۸۳۲۳۳۴۴۷۳ فرزاد کلاهدوز ۰۹۱۵۵۸۴۸۳۵۷



۰۹۸۰۳۷۵۹۸

# ریاضی

## دربهای اتوماتیک

► RIAZI AUTOMATIC DOORS

تخصص، تجربه، مشتری مداری  
بهترین قیمت ، بهترین کیفیت

اجرا و نصب

کرکره های برقی

شیشه و جک پارکینگ

شیروان ، خیابان امام خمینی

۱۹۴۱ ۳۸۵ ۰۹۱۵

مدیریت : ریاضی